

● محمد - احمد پناهی سمنانی



شاملو، فرهنگ عامه و کتاب کوچه

در میان شاعران و نویسندگان و محققان معاصر چندتن را به تعبیری باید نسل دوم از کسانی که در رده‌ی پیشگامان رویکرد به فرهنگ مردم قرار گرفته‌اند، به حساب آورد. این افراد، نه به گونه‌ای از سر تقنین؛ که بخش مهمی از کوشش‌های فرهنگی خود را به مقولات فرهنگ مردم اختصاص دادند و کارکردهایشان تأثیری فعال و پویا در گرایش جمع‌کثیری از اهل قلم به فرهنگ عامه‌ی ایران را در پی داشت.

این رویکرد، فرهنگ عامه را که با همه‌ی پویایی و آفرینندگی درونی‌اش، به سبب نگاه و تلقی تاریخی برخی از استادان ادب و هنر رسمی، از وضعیتی انفعالی، از میدان ادب و هنر رانده شده بود، در گستره‌ی چشمگیری بازشناسی کرد و نگاه‌ها را به تشخص و ارزش ویژه و والای آن برگرداند. از آن پس بود که فرایند گردآوری، تنظیم، پژوهش و عرصه‌ی آفرینش‌های عامه - اگرچه نه در سطح و مقدار کمی قابل مقایسه با کشورهای اروپایی و حتی کشورهای همسایه - رشد کمی و کیفی خود را آغاز کرد و به تدریج در آورده‌های هنر رسمی - هنر زمانه - سهم و نقش برعهده گرفت، و دیگر وارد کردن واژه‌ها، اصطلاح‌ها، زبانزدها، باورهای عامه و قالب‌های منظوم، حرکتی نه تنها قابل نکوهش به شمار نیامد، بلکه به مثابه ارزش هنری تلقی و مقبول افتاد.

این نهضت که نمونه‌های نخستین آن را نزد شاعران و نویسندگان پیشگام نهضت مشروطه خواهی - و بلکه پیش‌تر از آن‌ها؛ در آثار قائم مقام فراهانی و یغمای جندقی - باید بازجست، تأثیری تدریجی، بطئی و متناوب، اما منطقی و قانونمند در آفرینش‌های منظوم ادب رسمی دهه‌های بعد برجای گذاشت و به جریانی مقبول و مردم‌پسند - خاص و عام - و البته کارساز و تأثیرگذار مبدل گردید.

این پدیده در نزد شاعران نوپرداز - نیمایوشیخ و ادامه‌دهندگان سنت‌های ادبی و هنری او - به نسبت شاعران و گویندگان وفادارمانده به قالب‌های ادبی کهن - بیش‌تر جدی گرفته شد و نیما خود نه تنها چند شعر به سیاق فرهنگ عامه برای کودکان ساخت، بلکه ترانه‌ها و دوبیتی‌های بسیاری در گرایش مادری خود - مازندرانی - سرود، گزینه‌ای که در تاریخ شعر رسمی اگرچه نمونه و مشابه داشت، اما بسیار اندک و ناچیز بود. احمد شاملو یکی از آن‌هاست. کار شاملو اما ثمرات مضاعف داشت. وی نه همین‌ان ساز و کار هنری و فنی گونه‌های منظوم فرهنگ عوام در آفرینش‌آثاری از خود، هوشیارانه بهره‌جست و چندین شعر زیبا، پرمایه و ماندنی پدید آورد، بلکه در پی افکنی و پروردن کتاب کوچه زیرکی بدیعی به کار بست

و تلاشی نفس گیر اما در خور تحسین و گرانقدر را بر خود هموار ساخت. در رویکرد نخست یکی از شگردهای مهم شاملو در جهت گیری های سیاسی و اجتماعی، بر گزیدن قالب ها و شیوه های ساختاری فرهنگ عامه برای گزارش وضعیت های حاکم بر جامعه و در نهایت، بیان احساس ها و آرمان های اجتماعی و فلسفی است. او در گزیدن این شیوه، خاصه بر گونه ای کودکانه ها دست یازیده است. به طور مثال در منظومه «بارون»، که در گرما گرم بحران های سیاسی-اجتماعی در سال ۱۳۳۲ بازبانی کودکانه، در زندان قصر سروده شده است، بر اساس کهن الگوی «پاگشایی»، تلاش، «قهرمان جستجوگر» را برای ایجاد تحوّل در اطراف خود نمایش می دهد.

شاملو در بهره گیری از این شگرد، در چهار چوب ها نیز تصرف می کند و در ضابطه های کهن، به سود هدف خود دست می برد و هر جا لازم بداند این شیوه را به کار می برد.

در کهن الگوی «قهرمان» منجی و رهایی بخش، برای تحقق «دگرگونی و رستگاری» خود و جامعه اش، در «سفر»ی طولانی و نبرد با دشواری ها و غلبه بر دشواری ها، سرانجام به رستگاری دست می یابد. اما شاملو در منظومه «باران» شاید زیر تأثیر وضعیت به شکست انجامیده ی نهضت مردمی در کودتای ۲۸ مرداد، کار سفر را به گونه ای تلویحی به تراژدی می کشاند و در نتیجه، جستجوگر انقلابی، به نقطه ی اول عزیمت خود بازگردانده می شود تا قصه ی جستجوی او هم چنان و تا ابد باقی بماند.

این سرانجام با عاقبت سفر جستجوگرانه در افسانه های فولکلور متفاوت است. این فاصله از هنجارهای کهن الگویی، گاه زیاد و گاه به مقطع بریدن می رسد. (بنگرید به: پروین سلاجقه؛ انگاره های کهن الگویی درد و منظومه ی کودکانه ی فولکلوری از احمد شاملو، فصلنامه ی فرهنگ مردم، س ۴، ش ۱۳ ص ۱۱۰). دیگر سروده های شاملو که در قالب های شعر عامه پدید آمده اند، نظیر دو منظومه ی بسیار مشهور و زیبای «پریا» و «دخترای ننه دریا» و نیز غزلگونه های او، جایگاهی مهم و تأثیرگذار در شعر جدید فارسی ساخته اند. به نظر می رسد که شاملو در هر موقعیتی که قرار گرفت، فرهنگ عامه و قابلیت های آن را از یاد نبرد و از فرصت هایش، سهمی هم به این بخش از میراث ملی داد. کتاب کوچی او، تبلوری از این عشق و علاقه ی اوست و انصافاً او با عشق و علاقه ای ویژه-که برای همه ی ما آمرختنی است-به این کار پرداخت.

کتاب کوچی اگرچه یک کار کامل نیست و خود شاملو نیز آن را کاری «به تمام معنی ناقص» نامیده و به درستی تصریح کرده است که «امر تدوین فرهنگ توده هرگز از نخستین گام ها بر نخواهد گذشت و هرگز به حدود قابل قبولی نخواهد رسید مگر آنکه همگان در آن شرکت بجویند...» (کتاب کوچی، ج ۱، مقدمه) اما مجموعه ای است که از جهت اشتغال بر کثیری از گونه های فرهنگ عامه، تاکنون بی نظیر باقی مانده است. در کتاب کوچی روح ایران و بوی مردم ایران سیلان دارد. شاملو در بازتابانیدن این روح و این بوی ایرانی تا هر کجا که امکان دسترسی را-خواه در عرصه ی رجوع به اسناد کتبی و خواه جستجوهای میدانی-برایش میسر می ساخته است، پیش رفته است. از بیشترین و نزدیک ترین منابع-باتوجه به امکانات و فرصت هایی که در محدوده ی زمان کار داشته است-بهره برده است و هم چنان که شأن کتاب طلب می کرده است، اگر نه به تمامی، بلکه به بیشترین گونه های فرهنگ عامه «قصه، مثل، افسانه، باورها، آیین ها، زبانزدها و...» روی آورده است.

نام کتاب کوچی در عنوان دوم خود «جامع لغات، اصطلاحات، تعبیرات، ضرب المثل های فارسی» آمده است. بدین ترتیب تأکید شاملو بر ضرب المثل ها از مجموعه ی فرهنگ عامه بوده است و به نظر

می‌رسد دشواری‌های قابل درک او را از ورود به دیگر زمینه‌های بسیار گسترده‌ی فرهنگ عامه باز داشته است.

او با تکرار گفته‌ی یک فرزانه‌ی چینی-دای دون-که «اگر می‌بایست چندان تأمل کنیم که خامی‌های کارم، همه پخته و کاستی‌های آن همه برطرف شود. نگارش این کتاب هرگز به پایان نمی‌رسید» اشارتی صادقانه به کاستی کار خودش کرد. تأثیر آن گفته‌ی خردمند چینی در کار گام‌گزاران در این گونه‌راه‌ها، برای مهار کردن غروری که از تألیف یا تصنیف اثری پراج و گرانقدر در نفس خود احساس می‌کنند- مثلاً ویلیام جیمز دورانت مؤلف کتاب تاریخ تمدن، که شاملو آن را شکسته‌نفسی بزرگوارانه‌ی استادی پژوهنده توصیف می‌کند، هشداردهنده بود، با این تفاوت که او کار خود را نه به پایان رسیده، بلکه کوششی آغاز شده دانست. شاملو به خالی بودن جای «کلمات مورد استعمال عوام» در لغت نامه‌ها، از دوازده سالگی پی برد. این کاستی‌ها را، نیای مادری اش «میرزا شریف خان عراقی» به او یادآور شده بود (ص ۶ کتاب کوچک) و ظاهراً این گرایش بود به فرهنگ عامه که از ۱۲ سالگی در او پدید آمده بود.

از میان گونه‌های ادب عامه که شاملو در کتاب کوچک آورده است، شعر و ترانه سهم قابل توجهی دارد. به واقع هم بخش عمده‌ای از نمونه‌های هنر عوام، ساختار منظوم دارند و شعر و ترانه، چاشنی و محور این نمونه‌هاست. پنداری جریانی قرینه‌ساز در برابر ادب رسمی است که آثار منشور به وام گرفتن از شعر، آراسته شده است. شعرها و ترانه‌هایی که در کتاب کوچک آمده‌اند، ویژگی‌های مضمونی متنوع دارند که در یک تقسیم‌بندی کلی، دو گونه‌اند:

— شعرهایی که از ادب رسمی، در ادب عامه جای گرفته‌اند.

— شعرهایی که از ادب عامه برآمده‌اند و در آن گستره کاربرد یافته‌اند.

برای هر کدام از این دو گونه می‌توان تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر هم در نظر گرفت و آورده‌های هر گروه را در آن‌ها جای داد.

شاملو عبارات ادبی یا اشعاری را که به صورت مثل ساثره درآمده‌اند، در کتاب کوچک ضبط کرده است. برگرفته‌های شاملو از ادب رسمی، در وجه کمی، یک عبارت، یک مصرع، یک بیت کامل، کل یک غزل یا مثنوی یا قطعه یک شاعر یا نویسنده را دربرمی‌گیرد. به طور مثال زیر ماده‌ی «ابرو» در نمونه‌ی امثال و حکم، این بیت از قطعه وحشی بافقی را:

تو مو می‌بینی و من پیچش مو / تو ابرو، من اشارت‌های ابرو

که حکم مثل مشهوری را یافته است، با کل قطعه همراه کرده است:

به مجنون گفت روزی عیجوبی / که پیدا کن به از لیلی، نکوبی

که لیلی گرچه در چشم تو حوری است / به هر عضوی ز اعضایش قصوری است

ز حرف عیب جو، مجنون برآشت / در آن آشفتگی خندان شد و گفت:

تو کی دانی که مجنون چون نکوبی است / کز او، چشمت، همه بر روی و موی است؟

تو قد بینی و مجنون جلوه‌ی ناز / تو چشم و او نگاه ناوک انداز

تو لب می‌بینی و دندان-که چون است / دل مجنون ز شکر خنده خون است

تو مو می‌بینی و من پیچش مو / تو ابرو، من اشارت‌های ابرو

اگر بر دیده‌ی مجنون نشینی / به غیر از خوبی لیلی نه بینی

این تأکید بر گزیدن فرع بر اصل و به اصطلاح «هو اخوری» پیرامون یک مثل و آوردن مصداق از ادب رسمی-هم

در ثرو هم در نظم - که در مواردی با روایت های متعدد و طولانی نمونه ها همراه شده است ، اگرچه بار کمیت کتاب کوچه را سنگین تر کرده ، اما بر کیفیت های چندگانه ی آن گسترده گی داده است .

شعرهای برگزیده از ادب رسمی ، شاعران مشخصی دارند و مضمون شعرها ، چندان با مسایل مشترک میان مردم نزدیک است که جایگاه مثل یافته اند و بسی احتمال دارد که سرایندگان ، مضمون آن ها را از ادب عامه گرفته اند :

ملک او از طعن های دشمن کجا یابد خلل آب دریا از دهان سگ کجا گردد پلید

(امیر معزی)

نیست پروا تلخکامان را ز تلخی های عشق آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است

(صائب)

طرب نوجوان ز پیر مجوی که دگر ناید آب رفته به جوی

(سعدی)

آن که شیران را کند رو به مزاج احتیاج است ، احتیاج است ، احتیاج

(مولانا)

اما از منظر فرهنگ عامه کتاب کوچه مجموعه ای شگفت انگیز از ادب عامیانه ی ایران است که خواندنش لطف و شیرینی خاصی می بخشد ، زیرا که : از بس حکایت های شیرین دارد ، درون شکافی مثل ها را به وجهی مطلوب انجام داده ، کارکردهای امثال را از وجوه مختلف در نظام دستوری و زبانی باز نموده است ، نمونه هایی را که برای گشودن پیچیدگی های کارکردی مثل آورده است ، طیفی وسیع و حدی از گونه های قدیم و جدید دارند ، نمونه ها غالباً شیرین و جذاب اند و حشوزدایی شده اند ، شکل درست واژه ها و تکیه کلام ها و روایت های مختلف آن ها ، همراه آوانوشت لاتین آمده اند ، بسی از واژه ها را که در تداول امروزی جاری هستند ، ریشه یابی کرده و منشا پیشین بسیاری از واژه ها و اسم ها و ... را به استناد اسناد مکتوب - در بیشتر موارد - بازگشوده است .

شاملو کوشیده است به یکی از مهم ترین «بایدها» در گردآوری فرهنگ عامه ، که همانا اصالت و امانت در نقل روایات فرهنگ شفاهی است ، وفادار بماند . نخست این هشدار قاطع صادق هدایت را در نظر داشته است که : کس را حق آن نیست که مطابق سلیقه ی خود ، افکار مذهبی یا اخلاقی یا پند و اندرز حکیمانه در اسناد مربوط به فولکلور بگنجانند ، یا این ماده را برگزینند و آن ماده را کنار بگذارند و با این دخالت نامعقول ، مجموع کار را مخدوش کند ، چرا که در تحقیقات فولکلور نباید هیچ گونه تعصب نژادی ، اخلاقی ، زبانی و مذهبی راه یابد . فقط عین واقع را باید یادداشت کرد . (نقل به معنی ، طرح کلی کاوش فولکلوریک منطقه) اما شاملو ، هر جا که قلم و موضوع به او فرصت داده ، از نقد روایات و رخدادهای کوتاهی نکرده است . به طور مثال : در شرح ضرب المثل داستانی «خودم جا ، خرم جا ، زن صاحبخانه خواه بزا ، خواه نزا» (ج ۱۱ ، حرف ج) بر مهدی پرتوی آملی ایراد کرده است که از خواجه نصیر طوسی معرفی نابجا کرده و از حکایت مذکور ، شرحی پرطول و تفصیل پرداخته است .

یا بر روایت ترانه ای که حامیان «مشروطه مشروعه» سر دادند و گفتند :

ما حامی قرآنیم ، ما جمله مسلمانیم ، ما دین نبی داریم ، مشروطه نمی خواهیم .

شرحی این چنین افزوده است : تحریف ترانه ایست که عمله اکره ی یکی از اوباش حامی استبداد می خواندند ... صورت تحریف شده ی این مثلاً «شعار» انگیزه ی واقعی غوغائیان را که در پس شعار اصلی پنهان شده بود ، آشکار و بی تفاوت بیان می کند . (ج ۷ ، حرف پ ، دفتر اول ، ص ۶۵۸) .

موارد متعددی از «دخالت عالمانه»ی شاملو در نقل روایات در کتاب کوچک آمده است و گویی اندرز هدایت را از یاد برده است که مستقیم یا به تلویح به نقد نمونه‌ها - آن هم بر بستر تعریض - دست یازیده است. چنان که اشاره شد کتاب کوچک در عنوان دوم خود، شناسه‌ی «جامع لغات، اصطلاحات، تعبیرات، ضرب‌المثل‌های فارسی» را آورده است.

اگر هدف، تدوین کتاب کوچک است، پس باید کتاب‌های دیگر را در مجموعه کتاب کوچک پیرامون دیگر جلوه‌های فرهنگ عامه، نظیر: موسیقی، آیین‌ها، نمایش‌ها، فن‌آوری‌های سنتی، افسانه‌ها و... چشم به راه بود. آرمانی که باید به هر حال در سیاست فرهنگی کشور از قوه به فعل درآید.

در کنار هزاران هزار فرهنگ‌نامه، قاموس، واژه‌نامه، دائرةالمعارف و... شمار کتاب‌هایی که به آفریده‌های عامه پرداخته‌اند، حکم قطره در دریاست. در همان حال که برای دائرةالمعارف پردازان، کانون‌های مجهز و نهادهای آراسته با امکانات پیشرفته مادی و معنوی در نظام حکومتی منظور می‌شود، مهم‌ترین و پرمایه‌ترین میراث ملی، یعنی فرهنگ عامه سرمنزلی و سامانی ندارد. نگاه تاریخی بی‌اعتنایی به فرهنگ مردم هم چنان مداومت دارد. پنداری فرهنگ ملی و هویت ایرانی، تنها به مقولات فرهنگ رسمی محدود است.

در پایان این نوشته، به نشانه تبرک، نمونه‌هایی از ترانه‌هایی را که در کتاب کوچک گردآوری شده‌اند، برگزیده‌ایم. این ترانه‌ها، چنان که از مضمون‌هاشان پیداست، کارکردهای ویژه دارند:

کودکانه‌ها

* تیمور لنگ

رفته به جنگ
خورده فشنگ
مُرده قشنگ

* هزار هزار به قربونش

باغ لاله زار به قربونش
هفتاد و هشت به قربونش
خانمای رشت به قربونش
زن کُره دار به قربونش
میش گله دار به قربونش
حشمت و رمه م به قربونش
باہام و ننه م به قربونش

(ترانه‌ی نوازش کودکی)

ترانه‌ی طنز

* پری پری، شاه پری
از همه عالم بهتری

نونت میدم
آبت میدم
بازار ریسمنت میدم
کام ما بدی ، پیر بشی
کام ما ندی ، کور بشی .

اجتماعیات

* هوا چه سرد است ، آقا نصیر
زمین چه برف است ، آقا نصیر
من ترا خواهم ، تو مرا خواهی
اینها همه حرف است ، آقا نصیر

ترانه‌های تفنگ

* در ظاهر من نظر کنی چون فیلم
در روز مصاف ، سور اسرافیلم
گر نیم نظر ز گوشه‌ی چشم کنی
در بردن جان ، شریک عزرائیلم
* یک فیلم و صد فیل ره از دور زخم
هنگام صدا ، دم از دم صور زخم
در دست قضا آن قدر انداز ، منم
کاندر شب تار ، دیده‌ی مور زخم
* این شعله خیز رعد نهیب عدو فکن
ریزد به گاه جنگ و ستیز ، آتش از دهن
چون غمزه‌ی بتان نکند تیر آن خطا
گشته به روزگار مسما به صف شکن .

(نمونه‌ی شعرهایی که بر قسمت انتهایی لوله تفنگ حکاکی می‌شد)

ترانه‌های دعا و نیاز

* بارالها حرمت مشگل گشا
حق ذات پادشاه کربلا
مطلب جمله بر آور ای حکیم
ای که نامت هست رحمان الرحیم

هیچ امیدى مگردان ناامید
بارالها حق قرآن کریم .

(از دعاهای منظوم پایان قصه‌ای «باباخارکن» که هنگام پاک کردن آجیل مشکل گشا می‌خوانند)

* بار بارونی

شار شارونی

الله تو بده بارون

سى مای عیال وارون

مشت جوی داشتیم

سر تلی کاشتیم

بارون زد و در اومد

مشتی تو

مشتی خیر بارونی

(از ترانه های طلب باران).



باورها

* سنده سلامت می‌کنم

خودمو غلامت می‌کنم

اگه چشممو خوب نکنی

یه لقمه خامت می‌کنم .

(برای درمان جوش چرکین بر پلک چشم ، معروف به «سنده سلام»)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چیستان

* آبی میون سنگ

داری میون آب

سبزی میون دار

سرخی میون سبز

قلیان

* دستمال انار

پیش زن سالار

اگه جرئت داری

یکیشو وردار .

منقل آتش

امثال و حکم

* هر کسی کار خودش
بار خودش
آیش به انبار خودش .
* شووم بره کاروانسرا
نوش بیاد حرمسرا
سیا باشه ، سوخته باشه
نمدی به کول داشته باشه
یه خورده پول داشته باشه .

تصنیف

* تو که از خوردن می لعل لبت رنگین است

پس سبب چیست که می تلخ و لبت

صنم ، صنم ، پشت در منم

به گدا نده ، مستحق منم

سنگ مزن بر سرم

خون مکن جگرم

پاره مکن پیرهنم

دیشب اطاعت کی بود؟

شمع و چراغت کی بود؟

بلبل باغ صفا

شام چی خوردی غذا

(ضبط زوکوفسکی، ۱۸۸۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی